

Adaptation of the principles of the supreme leader governance with the principles of Alavi¹ governance

Abbasali Farzandi², Khalil Arefi³

Abstract

Islamic governance and ruling based on religious orders and the way of the Shiite Imams is something that should be the concern of all the officials of the Islamic Republic of Iran. On the other hand, the root and foundation of Islamic governance are actually the same basis of Islamic governance, and the basis of governance are derived from the principles of governance; therefore, the adaptation of the principles of the supreme leader's rule with the rule of Shiite Imams is one of the important issues that must be explained, because in today's era, when the enemy has attacked the supreme leader's way of governance and is aiming for a cognitive war against the country of Iran by spreading suspicion, the adaptation of the principles of governance of the supreme leader with the principles of governance of Shiite Imams is one of the clear examples of Jihad of explanation. On the other hand, Alavi governance is the best model of Islamic governance; therefore, the main issue of this research is whether the principles of the supreme leader's governance are compatible with Alavi governance. In this article, with the descriptive-analytical method, the principles of Alavi governance have been established and the principles of the supreme leader's governance have been adapted to them. The result is that the principles of the supreme leader's governance are fully compatible with the principles of Alavi governance, and these principles include: ontological basis, epistemological basis, anthropological basis, sociological basis, path and guideology basis, eschatological basis.

Keywords: governance, Alavi governance, the supreme leader's governance, principles of governance, Islamic government.

1. The governance in terms of Imam Ali(PBUH)

2. Assistant Professor, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

aafarzandi@sndu.ac.ir

3. Corresponding author: Ph.D. student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

arefy313.1367@gmail.com

انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی

عباسعلی فرزندی^۱، خلیل عارفی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

چکیده

حکمرانی اسلامی و حکومت کردن بر اساس دستورات دینی و سیره معصومان، امری است که باید مورد توجه تمام مسئولان جمهوری اسلامی ایران باشد. از سوی دیگر ریشه و پایه حکمرانی اسلامی، در واقع همان مبانی حکمرانی اسلامی است و اصول حکمرانی، برگرفته از مبانی حکمرانی است؛ بنابراین انطباق مبانی حکمرانی مقام معظم رهبری با حکمرانی معصومان، از امور مهمی است که باید تبیین شود، زیرا در عصر حاضر که دشمن شیوه حکمرانی رهبری را مورد تهاجم قرار داده و با شبهه‌پراکنی در صدد جنگ شناختی علیه کشور ایران است، انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی معصومان، از مصداق‌های آشکار جهاد تبیین است. از سوی دیگر حکمرانی علوی بهترین الگوی حکمرانی اسلامی است؛ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا مبانی حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی انطباق دارد؟ در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی مبانی حکمرانی علوی اصل قرار داده شده است و مبانی حکمرانی رهبری با آنها انطباق داده شده است. نتیجه اینکه مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی، انطباق کامل دارد و این مبانی عبارت است از: مبنای هستی‌شناسی، مبنای معرفت‌شناسی، مبنای انسان‌شناسی، مبنای جامعه‌شناسی، مبنای راه و راهنماشناسی، مبنای فرجام‌شناسی.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی علوی، حکمرانی رهبری، مبانی حکمرانی، حکومت اسلامی.

مقدمه

وجود حکومت و مدیریت واحد، از نیازهای اساسی زندگی اجتماعی مردم است. اصل ولایت و حکومت بر مردم از شئون و حقوق خداوند بر انسان‌ها است که پروردگار این حق را به پیامبران و امامان معصوم واگذار کرده است و آنان را والیان بر مردم دانسته و در این باره فرموده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/ ۵۵). پس شایسته‌ترین و بهترین حکومت و حکمرانی با مدیریت امام معصوم محقق خواهد شد؛ بنابراین در جمهوری اسلامی ایران باید شیوه حکمرانی مسئولان مطابق با شیوه حکمرانی معصومان باشد. امیرمؤمنان، امام معصومی است که با توجه به شرایط جامعه توانست حکومت تشکیل دهد و بر مسلمان حکمرانی کند؛ بنابراین حکومت علوی، الگویی مناسب برای جمهوری اسلامی است.

دشمنان اسلام، با اصل حکومت اسلامی مخالفند و در عصر حاضر بارزترین مصداق حکومت اسلامی، حکومت جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین دشمنان هم با اصل حکومت اسلامی و هم با حکومت جمهوری اسلامی ایران در حال مبارزه هستند و آنها متوجه شده‌اند که برای نابودی اسلام، باید با کشور ایران بچنگند و دشمنان می‌دانند که برای شکست ایران باید دیدگاه مردم نسبت به نظام را خدشه‌دار کنند و حکومت ایران را ناکارآمد و غیر منطبق بر دستورات اسلامی جلوه دهند و در این زمینه جمهوری اسلامی ایران درگیر جنگ شناختی گسترده‌ای است؛ بنابراین انطباق حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی، برای حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و پیروزی در این جنگ شناختی و تأیید حکمرانی رهبری، امری ضروری است و از مصداق‌های مهم جهاد تبیین است. در نتیجه تدوین چنین مقاله‌ای ضرورت دارد.

از سوی دیگر بنیان حکمرانی، بر اساس مبانی حکمرانی و مبانی حکمرانی، تشکیل‌دهنده اصول حکمرانی است؛ بنابراین مبانی حکمرانی نقش اصلی در مشخص کردن شیوه حکمرانی دارد. این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی در صدد انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی است. سؤال پژوهش این است که کدام‌یک از مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی انطباق دارد؟ پس هدف این مقاله انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی است. بر اساس یافته‌های این مقاله، حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی انطباق کامل دارد و این مبانی عبارت است از: مبنای هستی‌شناسی، مبنای معرفت‌شناسی، مبنای انسان‌شناسی، مبنای جامعه‌شناسی، مبنای راه و راهنماشناسی، مبنای فرجام‌شناسی.

مبانی نظری

در بخش اول این مقاله مفهوم‌شناسی اصطلاحات مرتبط با پژوهش و سپس پیشینه پژوهش تبیین می‌شود. سپس ادبیات پژوهش و نظر نویسندگان آثار یافت‌شده در مورد حکمرانی علوی و رهبری ارائه می‌شود.

«حکمرانی» اصطلاح اصلی این مقاله است؛ بنابراین در ابتدا این اصطلاح تعریف می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش مفاهیم اصلی این پژوهش تبیین خواهد شد.

۱.۱. تعریف مبانی حکمرانی

«حکمرانی» از نظر لغوی کلمه‌ای فارسی است که ریشه عربی آن «حکم» است و مترادف با فرمانروایی است (معین، ۱۳۶۰: ذیل حکمرانی). هم‌چنین به مفهوم فرماندهی و حکومت (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل حکمرانی) نیز آمده است. معادل انگلیسی حکمرانی واژه «Governance» است.

واژه مبانی از ریشه بنی و جمع مبنی (مبنا) است. از نظر لغوی، در زبان عربی، ریشه بنی به معنای ساختن و پایه‌گذاری کردن شیئی بر شیء دیگر است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۰۲، ذیل بنی). در فرهنگ فارسی نیز واژه مبانی در لغت به معنای شالوده و اساس به‌کار می‌رود (معین، ۱۳۶۰: ذیل مبانی)؛ بنابراین می‌توان گفت کلمه مبانی در لغت به معنی اساس، بنیاد و بنیان و پایه یک شیء است. مبنا در هر علمی به معنای بنیان، اساس و پایه‌های اصلی آن علم به‌کار رفته است. به نظر می‌رسد کلمه مبانی به‌تدریج در استعمال محققان علوم به حوزه پیش‌فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و حتی بر دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده است (فرزندی و روشن‌روان، ۱۳۹۹: ۴۱).

تعریف برگزیده مبانی حکمرانی عبارت است از: مبانی حکمرانی، بنیان‌ها و پایه‌ها و ریشه‌های اصلی و پیش‌فرض‌های حکمرانی است که اصول حکمرانی از این مبانی گرفته می‌شود.

به‌منظور تبیین بهتر مبانی حکمرانی، تفاوت مبانی و اصول حکمرانی به‌اختصار بیان می‌شود. اصول حکمرانی، قواعد و دستورالعمل‌های کلی حکمرانی (برخاسته از مبانی حکمرانی) است که در فرایند حکمرانی باید رعایت شود (فرزندی و روشن‌روان، ۱۳۹۹: ۴۲)؛ بنابراین تفاوت مبانی و اصول حکمرانی عبارت است از:

۱. اصول برگرفته از مبانی است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۳۴). به عنوان مثال یکی از مبانی حکمرانی اسلامی، فرجام‌شناسی است و یکی از اصولی که از این مبنا گرفته می‌شود، اصل پیشبرد جامعه به سوی جامعه مهدوی است. در انتهای این مقاله به این مبنا و اصل پرداخته می‌شود.

۲. مبانی از مقوله «هست و نیست» است، اما اصول از مقوله «باید و نباید» است. (بابائی، ۱۳۹۴: ۱۶).

۳. مبانی، پیش‌فرض‌های هر بحثی است و به‌گونه‌ای نگاه به گذشته دارد، اما اصول قوانینی است که باید رعایت شود و گویا نگاه به آینده دارد؛ بنابراین برای تقریب به ذهن، مبانی در حکم شالوده ساختمان و اصول در حکم دیوارهای ساختمان است (بابائی، ۱۳۹۴: ۱۶).

۲.۱. انواع حکمرانی

چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذی‌نفعان در یک رویه حکمرانی سبب می‌شود الگوهای گوناگونی از شیوه‌های اجرای حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد، از جمله حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی و دیگر شیوه‌های حکمرانی (قابل دسترسی در: governanceschool.ir/fa/page/576).

گاهی حکمرانی خوب، با اصطلاح حکمرانی مطلوب به کار می‌رود و هم‌چنین گاهی از حکمرانی متعالی با اصطلاح حکمرانی اسلامی یاد می‌شود؛ بنابراین طبق نظر برگزیده، انواع حکمرانی عبارت است از: حکمرانی مطلوب، حکمرانی سالم و حکمرانی اسلامی.

۱. حکمرانی مطلوب: برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف کرده است: «حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه راهبردی در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری» (قاسمی، ۱۴۰۰: ۴۴).

۲. حکمرانی سالم: در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تأکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم است (قابل دسترسی در: governanceschool.ir/fa/page/576).

۳. حکمرانی اسلامی (الهی): حکمرانی اسلامی با حکمرانی مطلوب دو مفهوم جداگانه است که گاهی در برخی از موارد با هم تداخل دارند. بدین بیان که در حکمرانی اسلامی، اصل اولیه و مهم، اسلام و دین است، اما در حکمرانی مطلوب، ارکان حکمرانی، مانند مردم و کارگزاران و حکمران، اصل اولیه قرار گرفته است. تعریف برگزیده حکمرانی اسلامی عبارت است از: «فرایند تصمیم‌گیری و اجرای قوانین دین اسلام در جامعه، توسط معصومان و نایبان بر حق آنان، به‌منظور رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت اخروی انسان‌ها»

۱.۳. ابعاد حکمرانی

حکمرانی ابعاد گوناگونی دارد که عبارت است از: ۱. فرهنگی ۲. اجتماعی ۲. سیاسی ۴. اقتصادی ۵. نظامی ۶. فقهی. تأکید این پژوهش بر روی سه بُعد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و اگر طی پژوهش، به مطالبی از ابعاد دیگر نیز پرداخته شود، به دلیل ارتباط آن مطلب با این سه بُعد است؛ بنابراین در ادامه ترکیب واژه حکمرانی و این سه بُعد تبیین می‌شود. یعنی مفاهیم حکمرانی فرهنگی، حکمرانی اجتماعی و حکمرانی سیاسی بیان می‌شود.

۱. حکمرانی فرهنگی، امری بین‌رشته‌ای است که یک سر آن به دانش حکمرانی و مدیریت مربوط است و سر دیگر آن در دانش فرهنگ اسلامی است. یکی از ابعاد مهم حکمرانی، فرهنگی است. در رویکرد اسلامی فرهنگ جامعه و افراد یک اصل اساسی است و حکمرانی اسلامی باید در جهت رشد و تعالی فرهنگ جامعه و افراد جامعه باشد. به بیان دیگر، در نگاه حکمرانی اسلامی، باید راه مردم را برای رسیدن به فرهنگ مطلوب هموار کرد و هم‌چنین راه‌افتادن در مسیر فرهنگ نامطلوب را ناهموار و حتی مسدود کرد.

۲. حکمرانی اجتماعی نیز مانند حکمرانی فرهنگی، از دو اصل مهم تشکیل شده است. این تعبیر از سویی به حکمرانی مرتبط است و از سوی دیگر به مسائل اجتماعی مربوط است. مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، نموداری برای حکمرانی اجتماعی ارائه کرده است که در این نمودار مسائلی را بیان کرده است که به حکمرانی اجتماعی در ایران مربوط است (قابل دسترسی در: <https://governanceschool.ir/fa/page/516>).

براساس این نمودار، در حکمرانی اجتماعی، نظام مسائل اجتماعی ایران عبارت است از: ۱. امنیت اجتماعی ۲. حمایت‌های اجتماعی ۳. ورزش ۴. روابط اجتماعی ۵. سرمایه اجتماعی ۶. اوقات فراغت ۷. آموزش و پرورش ۸. سلامت ۹. آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی ۱۰. هویت اجتماعی

۱۱. محیط زیست ۱۲. کودکان کار ۱۳. فقر ۱۴. مسائل اقوام ۱۵. جمعیت ۱۶. حاشیه‌نشینی
 ۱۷. مهاجرت ۱۸. ترک تحصیل و بی‌سوادی ۱۹. اعتیاد ۲۰. زنان ۲۱. صندوق‌های بازنشستگی
 ۲۲. خانواده ۲۳. مسائل جوانان ۲۴. تأمین اجتماعی ۲۵. طلاق.

۳. حکمرانی سیاسی، از ترکیب دو اصطلاح «حکمرانی» و «سیاسی» تشکیل شده است؛ بنابراین هر دو واژه در مفهوم آن سهیم است. تمام مسائل حکمرانی که به‌نوعی به امور سیاسی مربوط شود، از مصداق‌های حکمرانی سیاسی به‌شمار می‌رود. در بخش تبیین مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی امیرالمؤمنین و مقام معظم رهبری برخی از مباحثی یادآوری و تبیین می‌شود که مربوط به حکمرانی سیاسی است.

۱.۴.۱. ارکان حکمرانی

ارکان حکمرانی به این معنا است که تشکیل حکمرانی به ارکانی وابسته است و با وجود این ارکان، حکمرانی شکل می‌گیرد که مهم‌ترین این ارکان عبارت است از: ۱. قانون حکمرانی ۲. حکمرانان ۳. مردم. البته طبق نظر برگزیده، ساختار حکمرانی یا نظام حکمرانی نیز طبق بیانی، یکی دیگر از ارکان حکمرانی به‌شمار می‌رود و ساختار حکمرانی تحت عنوان قوانین حکمرانی بررسی می‌شود. ۱. قانون حکمرانی: قوانین جمع قانون است و واژه «قانون» در اصل به‌معنای خط‌کش و معیار اندازه‌گیری به‌کار می‌رفته است. بعدها مفهوم قاعده و رسم و روش از قانون برداشت شده است. بر این اساس به لحاظ مفهوم لغوی می‌توان از هر نوع قاعده حقوقی به‌عنوان قانون یاد کرد (قاسمی، ۱۴۰۰: ۷۷).

البته می‌توان «ساختار حکمرانی» را رکن دیگر حکمرانی و جدا از قوانین به‌شمار آورد؛ هم‌چنین می‌توان به‌جای تعبیر «ساختار حکمرانی»، از عبارت «نظام حکمرانی» استفاده کرد و نظام حکمرانی را رکن جدا به‌شمار آورد، اما با توجه به تعریف قوانین حکمرانی که در ابتدای این بخش بیان شد، ساختار یا نظام حکمرانی، بخشی از قوانین حکمرانی یا نتیجه اجرای قوانین حکمرانی است؛ بنابراین در این پژوهش «قوانین حکمرانی»، «ساختار حکمرانی» و «نظام حکمرانی» تحت عنوان مشترک، یعنی «قوانین حکمرانی» بررسی می‌شود.

۲. حکمرانان نیز دومین رکن اساسی حکمرانی هستند. بدین بیان که اگر حکمرانان نباشند، تصور حکمرانی ممکن نیست و باید حکمرانان باشند تا حکمرانی شکل گیرد. حکمرانان شامل افراد متعددی از جمله رهبران اصلی، مسئولان کلان و مسئولان زیر دست و جزئی هستند.

۳. مردم در اینجا یعنی کسانی که بر آنان حکمرانی می‌شود. وجود مردم نیز رکن سوم حکمرانی است. مردمی که بر آنان حکمرانی می‌شود، از جهات گوناگون دسته‌بندی می‌شوند. مردم از جهت سطح معلومات دینی عبارتند از: مرجع تقلید، مجتهد غیر مرجع، مقلد، عالم به احکام دین، جاهل به احکام دین. غالباً عموم مردم از مقلدان به‌شمار می‌روند که دارای سطح اندکی از معلومات دینی هستند؛ بنابراین تمام این اقشار مردم از کسانی هستند که بر آنان حکمرانی می‌شود و این سطح گسترده مردم با تفکرات و عقاید و معلومات متفاوت، کار حکمرانی را مشکل‌تر می‌کند.

۱.۵. عوامل شکل‌دهنده حکمرانی

هر حکمرانی عوامل شکل‌دهنده‌ای دارد که برخی از این عوامل از ارکان حکمرانی و برخی دیگر غیر رکن است. ارکان حکمرانی در مباحث پیشین تبیین شد. عوامل شکل‌دهنده حکمرانی نیز عبارت است از: ۱. مبانی ۲. اصول ۳. مؤلفه‌ها ۴. شاخص‌ها.

۱. مبانی حکمرانی: مبانی «حکمرانی»، بنیان‌ها و پایه‌ها و ریشه‌های اصلی و پیش‌فرض‌های حکمرانی است که اصول حکمرانی از این مبانی گرفته می‌شود.

۲. اصول حکمرانی: اصول حکمرانی، قواعد و دستورالعمل‌های کلی حکمرانی (برخاسته از مبانی حکمرانی) است که در فرایند حکمرانی باید رعایت شود.

۳. مؤلفه‌های حکمرانی: مؤلفه‌های حکمرانی، اجزای تشکیل‌دهنده اصول حکمرانی است؛ بنابراین مؤلفه‌های حکمرانی برگرفته از اصول حکمرانی است که بر حسب اقتضائات زمان و مکان و طبق شرایط هر دوران، ظهور و بروز می‌یابد.

۴. شاخص‌های حکمرانی: مراد از شاخص حکمرانی، تشخیص‌دهنده میزان کیفی اصول و مؤلفه‌های حکمرانی است که با تبیین شاخص، وجود یا عدم اصول و مؤلفه‌های حکمرانی و میزان کیفی آن مشخص می‌شود.

۱.۶. انواع مبانی حکمرانی

مبانی حکمرانی از نظر منشأ به سه دسته تقسیم می‌شود:

- مبانی دینی: این مبانی برگرفته از دین و مطابق با احکام و معارف دینی است. مبانی فقهی، اعتقادی و اخلاقی حکمرانی اسلامی از این دسته است.

- مبانی عقلانی: این مبانی از عقل گرفته می‌شود؛ هر چند که در حیطه حجیت عقل بین فقها اختلاف نظر است، اما آن دسته از مبانی که برگرفته از برهان و دلیل قطعی عقلی باشد، معتبر است. مباحث حسن و قبح عقلی و بنای عقلا در مبانی عقلانی مطرح است.

- مبانی تجربی: منظور مبانی برگرفته از تجربه بشر و علم انسان است. مثلاً این مبنا که «بدون قانون اداره جامعه امکان‌پذیر نیست»، از مبانی تجربی حکمرانی است که برگرفته از تجربه و علم بشر است.

تأکید این پژوهش بر مبانی دینی برگرفته از روایات معتبر و به‌ویژه روایات مربوط به حکمرانی امیرالمؤمنین است؛ بنابراین کمتر به دو نوع دیگر مبانی پرداخته می‌شود. البته اگر از مبانی عقلانی و تجربی نیز مطالبی بیان شود، برای تأیید مبانی دینی و جمع بین دین و عقل و علم بشر است. در حکمرانی اسلامی، شناخت مبانی ضروری است. تقسیمات گونه‌گونی برای مبانی حکمرانی اسلامی ارائه شده است. در تقسیم‌بندی برگزیده، مبانی حکمرانی اسلامی عبارت است از: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، راه و راهنماشناسی، فرجام‌شناسی. در ادامه هر کدام از مبانی به‌صورت انطباقی در حکمرانی رهبری و علوی بررسی می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

با ملاحظه آثار موجود و بعد از جستجو، گزارشی از مرتبط‌ترین و مهم‌ترین پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی و کتاب‌های نگاشته‌شده در مورد موضوع این پژوهش ارائه می‌شود.

- پایان‌نامه «مبانی حکومت از منظر امام علی (علیه‌السلام) با تأکید بر نهج‌البلاغه»: این پایان‌نامه مقطع ارشد توسط سوده محمدیان، در سال ۱۳۹۶ و در دانشگاه معارف اسلامی قم دفاع شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، مبانی حکومت از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) را با تأکید بر نهج‌البلاغه در دو بخش، یکی مبانی حقوقی و دیگری مبانی سیاسی مورد بررسی قرار داده است. در این اثر ۱۲ مورد از مبانی حقوقی و سیاسی حکومت امیرالمؤمنین بیان شده است که در ادامه عنوان این ۱۲ مورد بیان می‌شود.

- مقاله «بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه‌های حکومت‌داری امام علی»: این مقاله به‌صورت سخنرانی توسط علی امیرخانی، در سال ۱۴۰۱ ارائه شده است. در این مقاله کوشش شده است مؤلفه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه‌های حکومت‌داری امام علی (ع) مورد مقایسه و بررسی قرار گیرد تا به این موضوع پی برده شود که جمهوری اسلامی ایران تا چه حد توانسته است به سمت حکومت حضرت علی (ع) گام بردارد و در این مسیر تا چه حد موفق بوده است؛ البته در مقاله به بررسی مبانی حکومت جمهوری اسلامی ایران و انطباق آن با مبانی حکومت

علوی پرداخته نشده است. در حالی که در این پژوهش به بررسی مبانی حکومت علوی و رهبری پرداخته می‌شود.

- مقاله «امام علی (علیه‌السلام) و مبانی حکومت اسلامی»: این مقاله توسط آیت‌... حسین نوری همدانی، در بهار ۱۳۸۰ نگاشته شده است و توسط نشریه کتاب نقد، شماره ۱۸، به چاپ رسیده است. نویسنده در این اثر ۳۲ اصل را به‌عنوان اصول حکمرانی علوی برشمرده است و این موارد را مبانی حکمرانی نیز می‌داند و ظاهراً طبق نظر وی مبانی و اصول حکمرانی به یک معنا است. عنوان این ۳۲ در ادامه بیان می‌شود.

- مقاله «مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی»: این مقاله توسط جهان‌بخش ثواب، نگاشته شده و در زمستان ۱۳۹۱ در نشریه پژوهش‌نامه علوی، شماره دوم به چاپ رسیده است. در این مقاله آشکارا مفاهیم مبانی، اصول و شاخصه در هم آمیخته شده و گویا این مفاهیم به یک معنا گرفته شده است. در این مقاله مواردی بیان شده که گاهی با عنوان اصول، گاهی با عنوان مبانی و گاهی با عنوان شاخصه از آنها یاد شده است (ثواب، ۱۳۹۱: ۸ - ۱۹).

- مقاله «فهم مبانی نظری و ابعاد جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»: این مقاله اثر محمدرحیم عیوضی و همکاران است. نویسنده در این مقاله بعد از بیان مقدمات، ۱۰ مورد از مبانی نظری جامعه اسلامی را از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بیان کرده است که عنوان این موارد در ادامه بیان می‌شود.

- مقاله «مبانی نظری، رویکردها و ابعاد جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»: نویسنده این مقاله مرضیه پیلهور است. در این اثر ۱۸ مورد را به‌عنوان مبانی حکمرانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ارائه کرده است که عنوان این موارد به‌صورت فهرست‌وار در ادامه بیان می‌شود.

- مقاله «مبانی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه‌های دینی، با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب»: این مقاله اثر محمد شریفی است و در آن به برخی دیگر از مبانی حکمرانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اشاره شده است.

- کتاب «حکمرانی علوی»: این کتاب برگرفته از طرح پژوهشی است که در دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی توسط اسماعیل منصوری لاریجانی انجام شده است. این اثر در سال ۱۴۰۰ توسط انتشارات بوستان کتاب به چاپ رسیده است. در این اثر مبانی، اصول و مؤلفه‌های حکمرانی

امیرمؤمنان در بیشتر ابعاد و ساحت‌های گوناگون بررسی شده است. تفاوت این مقاله با مطالب کتاب «حکمرانی علوی» این است که در کتاب یادشده، به انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی پرداخته نشده است و بنای نویسنده در این کتاب بر این بوده است که فقط مبانی حکمرانی علوی را بررسی کند. در حالی که هدف این مقاله انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی است و به این مهم پرداخته می‌شود.

- به‌طورکلی در هیچ‌یک از آثار یافت‌شده مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی، انطباق داده نشده است و آثار یافت‌شده یا فقط مبانی حکمرانی علوی را بررسی کرده‌اند و یا فقط به مبانی حکمرانی رهبری پرداخته شده است؛ درحالی‌که در این پژوهش مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی انطباق داده می‌شود.

۳. سیمای حکمرانی علوی در آثار

با ملاحظه آثار یادشده در مورد حکمرانی علوی، عناوین مبانی حکمرانی امیرمؤمنان از دیدگاه نویسندگان عبارت است از:

۱. انگیزه الهی تأسیس حکومت علوی
۲. توجه بسیار زیاد به بیت‌المال و دقت در مصرف آن
۳. پرهیز کارگزاران از مال‌اندوختن
۴. زهد و ساده‌زیستی کارگزاران
۵. امر به معروف و نهی از منکر
۶. توجه به حال فقیران و محرومان و کوشش در فقرزدایی
۷. وحدت و اتحاد
۸. چیزی را از مردم پنهان نکردن
۹. مبارزه با سوء استفاده نزدیکان حکومتی
۱۰. جلب رضایت عموم مردم
۱۱. محبت و احترام به مردم و حفظ کرامت انسان‌ها
۱۲. توجه ویژه به قوای نظامی و انتظامی و دقت در گزینش
۱۳. عدالت و احتراز شدید از ظلم
۱۴. هوشیاری نسبت به نقشه‌های دشمنان

۱۵. تبلیغات دشمنان را بی جواب نگذاشتن
 ۱۶. مردمی بودن و در میان مردم بودن حاکمان
 ۱۷. آزادی‌های اجتماعی برای مردم
 ۱۸. سفارش اکید اخلاقی و اجتماعی به مأموران دولت
 ۱۹. نظارت دقیق بر اعمال و اوضاع کارگزاران دولت
 ۲۰. تشویق مسئولان درستکار و توبیخ ناشایستگان
 ۲۱. سفارش جدی نسبت به دستگاه قضائی در نظام اسلامی
 ۲۲. توجه به حال اصناف گوناگون کشاورزان و تجار و صنعتگران
 ۲۳. مشورت
 ۲۴. میدان‌ندادن به متملقان و چاپلوسان
 ۲۵. تعلیم و تربیت توأم با تعهد اسلامی
 ۲۶. موعظه و ارشاد و تبلیغ و نصیحت
 ۲۷. امنیت و صلح
 ۲۸. وفای به عهد و پیمان
 ۲۹. آبادسازی کشور
 ۳۰. فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی
 ۳۱. روش دریافت مالیات
 ۳۲. وجود برخی از ویژگی‌های ضروری در حاکمان
- این ۳۲ مورد، عناوین مبانی حکومت امام علی(ع) از دیدگاه آیت‌الله حسین نوری همدانی است که این مبانی در مقاله‌ای با عنوان «امام علی (علیه‌السلام) و مبانی حکومت اسلامی» مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده این ۳۲ مبنا را با عناوین اصل اول، اصل دوم و اصل سوم تا اصل سی و دوم تبیین کرده است (ر.ک: نوری همدانی، ۱۳۸۰: ۶ - ۲۸).
۳۳. قانون‌گذاری حق الهی
 ۳۴. رأی مردم
 ۳۵. عدالت
 ۳۶. حقوق متقابل ملت و دولت

۳۷. حقوق اجتماعی (امنیت و آزادی)
۳۸. حقوق فرهنگی
۳۹. حقوق معیشتی - اقتصادی
۴۰. حاکمیت مطلقه الهی
۴۱. مشروعیت حکومت
۴۲. قرآن، منشأ ثبوت و اثبات مشروعیت سیاسی
۴۳. اصلاح امور اجتماعی
۴۴. التزام بر ارزش‌های اخلاقی
- مبانی شماره ۳۳ تا ۴۴ عناوین مبانی حکمرانی علوی است که خانم سوده محمدیان در پایان‌نامه خود، با عنوان «مبانی حکومت از منظر امام علی (ع) با تأکید بر نهج البلاغه»، بیان کرده است. هفت مورد از این مبانی (یعنی موارد شماره ۳۳ الی ۳۹)، بر اساس نظر نویسنده، از مبانی حقوقی حکومت امیرالمؤمنین است و پنج مورد بعدی (یعنی موارد ۴۰ الی ۴۴) از مبانی سیاسی حکومت امیرالمؤمنین است (ر.ک: محمدیان، ۱۳۹۶).
۴۵. دین‌داری
۴۶. عدالت‌گرایی
۴۷. قانون‌مداری
۴۸. آزادی و امنیت جامعه
۴۹. وجود ویژگی‌هایی در زمامدار
۵۰. مشارکت مردمی
۵۱. اصول‌گرایی دینی
۵۲. صراحت مواضع و برنامه‌ها
۵۳. صداقت و راست‌گویی
۵۴. نقدپذیری
۵۵. دفاع از حقوق مردم
۵۶. مدارا و نرمش
۵۷. دفاع از اصل آزادی انسان‌ها

۵۸. عدالت اجتماعی

۵۹. انتخاب کارگزاران بر اساس شایستگی‌ها.

۱۵ مورد اخیر، یعنی مبانی شماره ۴۵ الی ۵۹، در مقاله‌ای علمی - پژوهشی، با عنوان «مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی»، اثر جهانبخش ثواب ذکر شده است (ر.ک: ثواب، ۱۳۹۱: ۸ - ۱۹).

۴. نقد آثار یادشده در مورد مبانی حکمرانی علوی

اشکالاتی بر آثار یادشده در مورد مبانی حکمرانی علوی وجود دارد و طبق نظر برگزیده، تمام ۵۹ موردی که نویسندگان به‌عنوان مبانی حکمرانی امام علی (علیه‌السلام) ذکر کرده‌اند، قابل مناقشه است و اغلب آنها از اصول حکمرانی است؛ بنابراین اشکال عمده و مهمی که در تمام این آثار هست، این است که نویسندگان بین مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مرزی قائل نشده‌اند و دیدگاه برگزیده در این موارد با آثار یادشده متفاوت است.

به این بیان که در ۳۲ مورد اول که در مقاله‌ای با عنوان «امام علی (علیه‌السلام) و مبانی حکومت اسلامی» ذکر شده است، از دو قرینه می‌توان فهمید که نویسنده این مقاله، اصول و مبانی حکمرانی را به یک معنا گرفته است. اول، نویسنده عنوان اثر خود را مبانی حکومت اسلامی نهاده است، اما در متن مقاله تمام موارد را با عنوان اصل نام‌گذاری کرده است. دوم، در ابتدای کلام نویسنده، دو واژه اصول و مبانی به هم عطف تفسیری شده است که این دو قرینه گویای هم‌معنابودن مبانی و اصول حکمرانی نزد نویسنده است، اما طبق نظر برگزیده، بیشتر این موارد در این اثر از مبانی حکمرانی نیست، بلکه از اصول حکمرانی است؛ هم‌چنین موارد ۳۳ تا ۴۴ نیز طبق نظر برگزیده، از اصول یا مؤلفه‌های حکمرانی به‌شمار می‌روند.

افزون بر این در مقاله «مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی»، اثر جهانبخش ثواب، نیز آشکارا مفاهیم مبانی، اصول و شاخصه در هم آمیخته شده است و گویا این مفاهیم به یک معنا گرفته شده است؛ زیرا در این مقاله مواردی بیان شده که گاهی با عنوان اصول، گاهی با عنوان مبانی و گاهی با عنوان شاخصه از آنها یاد شده است. موارد ۴۵ تا ۵۹ عناوین مبانی بیان شده در این اثر است.

۵. سیمای حکمرانی رهبری در آثار

با ملاحظه آثار یافت‌شده در مورد حکمرانی رهبری، مبانی حکمرانی رهبری بر اساس نظر نویسندگان عبارت است از:

۱. عدالت‌گستری

۲. پرهیز از سطحی‌نگری

۳. اخلاق عمومی و رفتار اجتماعی
۴. اخلاق مداری
۵. برخورداری از اقتصادی پویا
۶. برقراری عدالت اجتماعی
۷. در مسیر امام و آرمان‌های انقلاب
۸. هویت و استقلال ملی
۹. مسئولیت‌پذیری
۱۰. سلامت اعتقادی و سلامت اخلاقی
- ۱۰ مورد اول برگرفته از مقاله «فهم مبانی نظری و ابعاد جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، اثر محمدرحیم عیوضی و همکاران است (ر.ک: عیوضی، ۱۳۹۹).
۱۱. حق‌گرایی، ایمان دینی و عقلانیت
۱۲. محوریت قوانین قرآن، ایمان به ولایت
۱۳. روابط و مناسبات متقابل اجتماعی
۱۴. حکومت مردمی
۱۵. جدانبودن دین از سیاست
۱۶. منبع قدرت سیاسی
۱۷. سیاست خارجی
۱۸. نظام بین‌سلطه
۱۹. تولید علم و علم‌آموزی
۲۰. الگوی فرهنگی
۲۱. تأثیر کتاب، سینما و رسانه‌ها بر فرهنگ
۲۲. مردمی‌بودن نیروهای مسلح
۲۳. تقویت ارتباط و تعامل جامعه و نیروهای مسلح
۲۴. ایجاد رفاه عمومی
۲۵. استقرار عدالت
۲۶. دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر

۲۷. اقتصاد مقاومتی

موارد ۱۱ تا ۲۷ بر اساس نظر نویسنده‌ای دیگر به نام مرضیه پیله‌ور است که در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری، رویکردها و ابعاد جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، با عنوان مبانی حکمرانی مقام معظم رهبری ارائه شده است (ر.ک: پیله‌ور، ۱۳۹۸: ۱۱۰ - ۱۲۰).

۲۸. حاکمیت قانون

۲۹. حق اظهار نظر و پاسخگویی

۳۰. مشارکت (مشارکت مردم در تصمیم‌گیری در عرصه ملی و جهانی)

۳۱. کنترل فساد

۳۲. شفافیت (اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات)

۳۳. عدالت‌خواهی و گسترش عدالت

۳۴. اثربخشی دولت

۳۵. فسادستیزی

۳۶. سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان

۳۷. ساده‌زیستی و مردم‌گرایی

۳۸. تواضع

۳۹. پرهیز از اسراف

۴۰. خردگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل

۴۱. سعه صدر و تحمل مخالف

۴۲. پرهیز از منافع شخصی و گروهی

۴۳. شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل حق

۴۴. انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خداوند

۴۵. کوشش بی‌وقفه برای ارائه خدمات عمومی

۴۶. شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران

۴۷. نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه‌ها

موارد شماره ۲۸ تا ۴۷ بر اساس نظر محمد شریفی است و ایشان این موارد را در مقاله‌ای با عنوان «مبانی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه‌های دینی، با تأکید بر بیانیه گام

دوم انقلاب»، به‌عنوان مبانی حکمرانی مقام معظم رهبری بیان کرده است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۹: ۳ - ۱۸).

۶. نقد آثار یادشده در مورد مبانی حکمرانی رهبری

یکی از اشکالات اصلی این آثار در مورد حکمرانی رهبری این است که در برخی موارد استناد و دلیلی برای این موارد به‌عنوان مبانی حکمرانی بیان نشده است و فقط عناوین مبانی حکمرانی رهبری فهرست‌وار و بدون هیچ‌گونه استنادی به سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بیان شده است. علاوه بر غیر مستندبودن مطالب، در این آثار به‌طور پیوسته، بین واژگان «مبانی»، «شاخص‌ها» و «مؤلفه‌ها» خلط شده است و این اصطلاحات به‌جای هم به‌کار برده شده است؛ بنابراین دو نقد عمده بر این آثار در مورد حکمرانی علوی و رهبری عبارت است از:

۱. در برخی موارد، به‌ویژه در مورد حکمرانی رهبری، اموری از مبانی حکمرانی شمرده شده است و هیچ مستندی برای آن موارد بیان نشده است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۹: ۳ - ۱۸؛ پيله ور، ۱۳۹۸: ۱۱۵).
۲. در بیشتر آثار موجود در این باره، بین مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خلط شده است (ر.ک: عیوضی، ۱۳۹۹).

در نتیجه امتیاز این پژوهش نسبت به آثار موجود این است که اول، در این مقاله مبانی حکمرانی علوی یا حکمرانی رهبری، به بیانات امیرمؤمنان و یا رهبر معظم انقلاب مستند شده است؛ دوم، تعبیر مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی متفاوت از یکدیگر است و برای هر کدام تعریفی جدا ارائه شده است و با یکدیگر خلط نشده است؛ سوم، در این مقاله مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی انطباق داده شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است. پژوهش کاربردی، پژوهشی است که در راستای عمل و نیازهای جوامع و بشریت به انجام می‌رسد. هدف این پژوهش بررسی انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی است و نتیجه آن در زندگی اجتماعی مردم مؤثر است؛ زیرا در صورت انطباق حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی، مردم جامعه و مسلمانان، فرمانبردار فرمایشات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) می‌شوند و پشتیبان و حامی این حکومت خواهند بود.

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. بدین بیان که در این پژوهش داده‌های جمع‌آوری شده در مورد حکمرانی امیرمؤمنان و مقام معظم رهبری، توصیف و تحلیل می‌شود. روش و ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای است و محور پژوهش سیره حکمرانی امیرالمؤمنین و مقام معظم رهبری است.

تبیین روش امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در حکمرانی، برگرفته از گفتار و رفتار ایشان و همچنین برگرفته از سخنان دیگر معصومان و مطالب کتاب‌های تاریخی معتبر، در مورد حکمرانی حضرت است. روش حکمرانی مقام معظم رهبری نیز برگرفته از بیانات رهبری و سخنان دیگر مسئولان در مورد حکمرانی رهبری است. بعد از گردآوری داده‌ها، این پژوهش در صدد انطباق مبانی حکمرانی مقام معظم رهبری با حکمرانی امیرمؤمنان است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، کیفی و توصیفی است و برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها و داده‌ها از روش تحلیل محتوا از نوع مفهومی استفاده شده است. تحلیل محتوای کلام معصومان و بزرگان دین در پژوهش‌ها بسیار کارگشا است. این پژوهش نیز بر محور تحلیل کلام امیرمؤمنان و مقام معظم رهبری است. فرایند بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش و ارائه مطالب عبارت است از: مرحله اول: کشف و بررسی آثار موجود در مورد حکمرانی امیرالمؤمنین و حکمرانی مقام معظم رهبری

مرحله دوم: نقد و بررسی مطالب نویسندگان در مورد حکمرانی امیرالمؤمنین و حکمرانی مقام معظم رهبری

مرحله سوم: بیان نظریه برگزیده درباره مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی امیرمؤمنان و مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی رهبری

مرحله چهارم: انطباق مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مقام معظم رهبری با مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی امیرالمؤمنین

تجزیه و تحلیل یافته‌ها (انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی)

در این بخش با رویکرد انطباقی، دیدگاه برگزیده در مبانی حکمرانی علوی و رهبری بررسی می‌شود و مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی انطباق داده می‌شود.

۱. انطباق مبنای هستی‌شناسی در حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی

در مبنای هستی‌شناسی باید به مطالب مربوط به هستی پرداخته شود. از سوی دیگر در اسلام مسلم است که تمام هستی، آفریده خداوند متعال است؛ بنابراین خداوند متعال، هستی‌بخش تمام موجودات عالم است و در حکمرانی اسلامی، خداوند متعال محوریت دارد؛ زیرا تمام هستی آفریده خداوند است. پس او بر تمام آفریده‌های خود ولایت و حکومت دارد. در نتیجه خدامحوری، عبارتی رسا از مبنای هستی‌شناسی در حکمرانی اسلامی است.

بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک، مدبر و رب حقیقی همه موجودات عالم است (حشر / ۲۲ - ۲۴)؛ بنابراین در اصل و ابتدا، حق حکمرانی و ولایت بر مردم فقط مختص خداست؛ زیرا او آفریننده انسان‌ها است. اما خداوند این حق حکمرانی را به انبیا و امامان معصوم واگذار کرده است و در زمان غیبت امام معصوم و در این زمان نیز، این حق توسط خداوند و امامان به ولی فقیه جامع‌الشرایط واگذار شده است. پس در حکمرانی اسلامی، چه توسط امام معصوم و چه توسط ولی فقیه، خدامحوری شرط است.

در شیوه حکمرانی علوی، مبنای هستی‌شناسی و خدامحوری کاملاً نمایان است. حضرت علی علیه‌السلام در اولین مطلبی که بعد از حمد خداوند متعال، در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر سفارش می‌کند، خدامحوری در حکمرانی است و فرموده است:

أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِثْبَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا وَ أَنْ يُنْصَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكَفَّلَ بِنُصْرٍ مِنْ نُصْرِهِ وَ إِعْزَازٍ مِنْ أَعْزِهِ (سید رضی، ۱۴۱۴: ۴۲۷)؛ حضرت، مالک را فرمان می‌دهد به تقوای الهی و مقدم‌داشتن طاعت خدا و پیروی آنچه را که خداوند در کتابش از واجبات و سنت‌های خود امر فرموده است که کسی جز به پیروی آنها خوشبخت و جز به انکار و ضایع کردن آنها بدبخت نمی‌شود و دیگر آنکه خداوند سبحان را به قلب و دست و زبانش یاری کند، زیرا خداوند یاری‌دهنده یاری‌کننده خود است و عزت‌مندی آن کس که او را عزیز بدارد را ضامن شده است.

این مطلب تنها یکی از نمونه‌های توجه امیرمؤمنان به خدامحوری در حکمرانی بود. خدامحوری در نامه‌های نهج‌البلاغه، حداقل ۱۳ بار به‌طور مستقیم مورد اشاره قرار گرفته است (نامه‌های ۵، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۳ و ۷۶) که بیشتر این موارد برای ابتدای مسئولیت افراد بوده است. خدامحوری در

تمام مکاتبات حضرت علی با کارگزاران و در بیشتر جمله‌های امام ضمن مطالب دیگر نیز دیده می‌شود (نوبری، ۱۳۹۹: ۶۵).

در حکمرانی مقام معظم رهبری نیز مبانی هستی‌شناسی و خدامحوری وجود دارد. رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی که طبق کلام ایشان با هدف ریل‌گذاری و جاده‌سازی برای اداره آینده کشور تشکیل شد، مبحث توحیدمحوری در حکمرانی را اولین مسئله اساسی دانسته و فرموده است: اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله مبدأ است، مسئله توحید است؛ «أنا لله و أنا الیه راجعون». مهم‌ترین مشکل دنیایی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره می‌کنیم، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خدا است. البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری و اینها وجود دارد، لیکن اعتقاد به خدا التزام نیست. اگر مسئله مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. (امام خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

امام خامنه‌ای در جمع کارگزاران نظام، پنج رکن و محور اساسی را برای حکمرانی اسلامی برشمرده‌اند. رهبری به‌صراحت این پنج مورد را مبانی حکومت برشمردند به ترتیب عبارت است از: ۱. توحید ۲. تکریم انسان (یا انسان‌محوری) ۳. تداوم حیات بعد از مرگ ۴. استعداد بی‌پایان انسان در داربودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است ۵. جریان عالم به‌سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)؛ سپس بر اساس این پنج رکن، وظایف کارگزاران را مطرح می‌کنند. در این کلام، اولین رکن، توحید است که به همان معنای خدامحوری است. رهبر معظم در این‌باره فرموده‌اند: بنابراین، توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

۲. انطباق مبانی معرفت‌شناسی در حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی

معرفت‌شناسی مربوط به علم انسان‌ها و شناخت آنها نسبت به اطرافیان خود است (متفکر، ۱۳۹۹: ۱۳ و ۱۴). پس در مبانی معرفت‌شناسی به شناخت اطرافیان خود پرداخته می‌شود؛ بنابراین در حکمرانی اسلامی، هر چه به‌نوعی مربوط به شناخت اطرافیان و مرتبط با حکمرانی است، از مبانی معرفت‌شناسی است. در یک تقسیم‌بندی کسانی که در حکمرانی نقش دارند در سه دسته دوستان، دشمنان و کارگزاران قرار می‌گیرند.

در حکمرانی شناخت افراد بسیاری مؤثر است، اما به نظر می‌رسد شناخت سه دسته از افراد از همه مهم‌تر باشد که عبارت است از: ۱. شناخت دوستان ۲. شناخت دشمنان ۳. شناخت کارگزاران. طبیعی است برای موفقیت در حکمرانی، باید دوست و کسانی که حامیان و خیرخواه حکومت هستند و همچنین دشمنان و کسانی که قصد براندازی و از بین بردن حکومت را دارند، به طور کامل شناسایی شوند. علاوه بر شناخت دوست و دشمن، شناخت کارگزاران نیز ضروری است، تا کارگزاران حکومت را به سمت نابودی نکشانند.

علاوه بر این علت‌ها، امیرالمؤمنین نیز در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر، شناخت اقشار گوناگون جامعه را به او توصیه می‌کنند که با ملاحظه این دسته‌بندی توسط حضرت، پی برده می‌شود که تمام این اقشار، در یکی از سه دسته دوستان، دشمنان یا کارگزاران قرار می‌گیرند. حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه فرموده است:

وَ اعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غَنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ وَ مِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ وَ مِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ وَ مِنْهَا عُمَّالُ الْإِنصَافِ وَ الرَّفِيقُ وَ مِنْهَا أَهْلُ الْجَزِيَّةِ وَ الْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذَّمِّ وَ مُسَلِّمَةِ النَّاسِ وَ مِنْهَا التُّجَّارُ وَ أَهْلُ الصَّنَاعَاتِ وَ مِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي [الْحَاجَاتِ] الْحَاجَّةِ وَ الْمَسْكِينَةَ (سید رضی، ۱۴۱۴: ۴۳۱): آگاه باش که مردم مملکت گروه‌های مختلفی هستند که هر گروه جز به گروه دیگر اصلاح نمی‌شود و با داشتن گروهی از گروه دیگر بی‌نیازی نیست. اینان عبارتند از: ارتش حق و نویسندگان عمومی و خصوصی و قاضیان عدل و مأموران انصاف و مدارا و اهل جزیه و مالیات از غیر مسلمان و مسلمان و تاجران و صنعتگران و طبقه پایین از نیازمندان و افتادگان.

حضرت در ادامه این سخنان، درباره شناخت خویشاوندان و ایالت حکومت و همچنین شناخت دشمن نیز سخن گفته‌اند (سید رضی، ۱۴۱۴: ۴۳۱ - ۴۴۲). هر یک از موارد مذکور در این خطبه، شامل یکی از سه گروه دوستان، دشمنان و کارگزاران می‌شوند.

۳. انطباق مبنای انسان‌شناسی در حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی

شناخت انسان همیشه مورد توجه عالمان دینی بوده است. در حکمرانی اسلامی نیز شناخت انسان بسیار مؤثر است؛ زیرا اولاً یکی از ارکان اصلی حکمرانی، مردم و انسان‌ها هستند. دوم اینکه رکن دیگر حکمرانی نیز کارگزاران هستند که آنها نیز بخشی از مردم و انسان‌ها هستند. پس انسان‌شناسی یکی از مبانی حکمرانی اسلامی است.

انسان‌شناسی در حکمرانی اسلامی، در واقع مردم‌شناسی و آموزش روش برخورد با مردم است. امیرمؤمنان نیز یکی از اوصاف مدیران در حکمرانی را مردم‌شناسی برشمردند. از دیدگاه امیرمؤمنان یکی از اوصاف مدیران کارآمد این است که اقشار گوناگون مردم را بشناسند و نسبت به آنها با عدل و مدارا رفتار کنند. در حکمرانی علوی مدیران باید انسان‌های فرصت‌طلب را بشناسند و مجال فرصت‌طلبی به طبقات مرفه و سودجو ندهند. قشر کم‌درآمد را بشناسند و مزایای اجتماعی و طبیعی کشور را بیشتر در اختیار توده مردم و به‌ویژه قشر کم‌درآمد قرار دهند (منصوری لاریجانی، ۱۴۰۰: ۳۷۲).

طبق فرمایشات امیرمؤمنان در فرمان حکومتی به مالک اشتر، مهم‌ترین دغدغه کارگزاران اسلامی باید طبقه ضعیف جامعه باشد. حضرت در این باره فرموده است:

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الزَّمْنَى. فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًا وَ أَحْفَظَ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ (سید رضی، ۱۴۱۴: ۴۳۸): خدا را خدا را در طبقه پایین اجتماع، از آنان که راه چاره ندارند و از کار افتادگان و نیازمندان و دچارشدگان به زیان و سختی و صاحبان امراضی که از پا در آمده‌اند، در میان اینان کسانی هستند که روی سؤال و اظهار حاجت دارند و کسانی که عزت نفسشان مانع از سؤال است؛ بنابراین آنچه را که خداوند در مورد آنان از حفظ حقوق از تو خواسته به حفظ آن پرداز.

رهبر معظم انقلاب نیز در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی که طبق کلام ایشان به هدف ریل‌گذاری و جاده‌سازی برای اداره آینده کشور تشکیل شد، انسان‌محوری را بعد از توجه به توحید و معاد، از مبانی اساسی و مهم در حکمرانی اسلامی برشمرده و فرموده است:

مسئله دیگر، مسئله انسان است؛ نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان. این موضوع در اسلام خیلی معنای وسیعی دارد... محور بودن انسان هم در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب مادی [و غربی] به کلی متفاوت است. انسان، محور است. همه این مسائلی که ما داریم بحث می‌کنیم: مسئله عدالت، مسئله امانت، مسئله رفاه، مسئله عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود. اینجا مسئله سعادت و مسئله عقبی متعلق به فرد است. (امام خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۴. انطباق مبنای جامعه‌شناسی در حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی

یکی از مبانی مهم در حکمرانی اسلامی، جامعه‌شناسی است. رابطه فرد با جامعه امری انکارناپذیر و مهم است و برای زندگی اجتماعی باید جامعه شناخته شود. انسان در بستر جامعه رشد و پیشرفت می‌کند و انواع نیازهای او برآورده می‌شود. پس در حکمرانی اسلامی که هدف تعالی انسان است، باید به مبنای جامعه‌شناسی نیز توجه شود.

حکمرانی اسلامی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی شکل گرفته است و باید به تعالی فرهنگ مردم جامعه و تمام ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان‌ها توجه کند. انسان‌ها نیز، چه از لحاظ مادی و چه معنوی، در بستر جامعه رشد می‌کنند. در نتیجه در حکمرانی اسلامی مبنای جامعه‌شناسی یکی از مبانی مهم است.

یکی از مسائل اساسی در اندیشه سیاسی تبیین اهمیت و جایگاه جامعه و زندگی اجتماعی است. هیچ سیاست‌مدار و حکمرانی نمی‌تواند نسبت به مباحث جامعه‌شناسی بی‌توجه باشد. در حکمرانی اسلامی نیز حکمرانان باید به مبنای جامعه‌شناسی توجه کنند تا در این امر موفق باشند.

جامعه در اصطلاح علمی عبارت است از: مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (خسروپناه، ۱۴۰۱: ج ۱، ۳۲۷).

عالمان دینی همیشه به دنبال طراحی الگوی مناسب و اسلامی از جامعه اسلامی و روش زندگی مردم بوده‌اند. چون جامعه از یک سو ظرف تحقق تمام آموزه‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی است و از سوی دیگر جامعه با فرهنگ عمومی مردم و حاکمیت سیاسی ارتباط دارد. به تناسب حاکمیت و فرهنگ مردم، جامعه متحول خواهد شد؛ بنابراین در حکمرانی اسلامی ارزش‌های دینی در جامعه گسترش می‌یابد و مردم جامعه به سمت تعالی پیش می‌روند.

در هر جامعه‌ای، اعم از جوامع مسلمانان و غیرمسلمانان، مردم خواستار عدالت هستند و از بی‌عدالتی نفرت دارند. در حکمرانی اسلامی نیز، از زمان پیامبر اسلام تا هم‌اکنون، رهبران اسلامی بر روی اجرای عدالت در حکمرانی بسیار تأکید داشتند. چرا که لازمه پایداری هر حکومتی، اجرای عدالت در جامعه است و هر جامعه‌ای خواستار عدالت است. پس یکی از اصول برگرفته از مبنای جامعه‌شناسی عدالت‌محوری است.

هر جامعه‌ای برای اداره‌شدن به دو رکن مهم مسئولان و مردم نیاز دارد. مهم‌تر از این دو رکن، تمام افراد جامعه اعم از مسئولان و مردم، باید اول، با وظایف و مسئولیت‌های خود آشنا باشند. دوم، مسئولیت‌پذیر باشند و سوم، نسبت به انجام وظایف خود پاسخگو باشند. در حکمرانی اسلامی نیز برای اداره جامعه باید به این اصل توجه شود و یکی دیگر از اصول برگرفته از مبنای جامعه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است.

به‌طور طبیعی هر جامعه‌ای برای پیشرفت و احساس آرامش مردم، به امنیت نیاز دارد. پس یکی دیگر از اصول جامعه‌شناسی، برقراری امنیت در جامعه است.

در نتیجه سه اصل مهم حکمرانی اسلامی که از مبنای جامعه‌شناسی گرفته می‌شود عبارت است از: عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، برقراری امنیت.

در مبانی خدانشناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی بیان شد که تمام انسان‌ها را خداوند متعال آفریده است. سپس زمین و آسمان و موجودات و جهان هستی را آفریده است، تا انسان‌ها که اشرف مخلوقات عالم هستند، بتوانند مسیر سعادت را طی کنند. جامعه اسلامی نیز برای سعادت انسان‌ها و پاسخ به نیازهای فطری انسان شکل گرفته است. خداوند حکیم و مهربان، راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را نیز بیان کرده است. خداوند متعال، این راه سعادت دنیا و آخرت انسان را در قالب دین اسلام در اختیار انسان‌ها قرار داده است؛ بنابراین در حکمرانی اسلامی که با هدف سعادت دنیا و آخرت مردم شکل گرفته است، باید این راه و برنامه سعادت انسان‌ها و دین اسلام به‌خوبی شناخته شود و به دستورات دینی مربوط به حکمرانی عمل شود. در حکمرانی اسلامی در مرحله اول، باید دین اسلام به‌خوبی شناخته و فهمیده شود. در مرحله دوم، باید دین اسلام با روش‌های گوناگون بر مردم جامعه عرضه شود، تا مردم جامعه نیز دین را بشناسند. در مرحله سوم، همه مردم، اعم از حکمرانان و مردم عادی، باید به دین اسلام عمل کنند تا مردم جامعه در دنیا و آخرت به آرامش و سعادت برسند.

بعثت تمام انبیا نیز با همین هدف بوده است و حتی طبق برخی روایات و بیان رهبر معظم انقلاب، شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یاران آن حضرت نیز با هدف عمل مردم به دین بوده است. چرا که سعادت، عدالت، آزادی و آزادی مردم در گرو عمل به دین است.

۵. انطباق مبنای راه و راهنماشناسی در حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی

راه و راهنماشناسی، در واقع دو مبنا است، یکی راه‌شناسی و دیگری راهنماشناسی؛ اما به دلیل ارتباط نزدیک این دو مبنا و مرتبط بودن مباحث مربوط به این دو، در کنار هم بررسی می‌شود. راه‌شناسی، در واقع همان مبنای دین‌شناسی است؛ یعنی راه حکمرانی اسلامی، در واقع همان روشی است که خداوند متعال در دستورات دینی، برای حکمرانی اسلامی مشخص کرده است. راه حکمرانی اسلامی، در زمان حضور پیامبر اسلام و معصومان در قالب دین الهی به مردم عرضه شده است؛ بنابراین راهنماشناسی در عصر حضور پیامبر و معصومان در جامعه، به معنای شناخت پیامبر اسلام و امامان است؛ بنابراین در حکمرانی اسلامی، در عصر حضور پیامبران و معصومان، راه و راهنماشناسی، در واقع شناخت پیامبران و امامان بوده است.

اما در این زمان که امام معصوم غایب است، راه‌شناسی و راهنماشناسی در حکمرانی اسلامی چگونه است؟ اکنون که امام معصوم غایب است، فقیهان و مجتهدان با توجه به شرایط این زمان، از دستورات دینی و آیات و روایات، راه زندگی را استخراج کرده و این دستورات را در قالب قوانین جمهوری اسلامی ایران در اختیار مردم قرار دادند. افزون بر این فقیهان و مراجع بزرگوار، راهنما را نیز به ما شناسانده و ولی فقیه را به عنوان راهنمای حکمرانی اسلامی معرفی کردند؛ بنابراین راه‌شناسی، شناخت قوانین جمهوری اسلامی ایران و راهنماشناسی، شناخت مراجع بزرگوار و ولی فقیه است.

۶. انطباق مبنای فرجام‌شناسی در حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی

«فرجام» به معنای پایان، عاقبت، سرانجام و نهایت است و از این مبنا با عنوان غایت‌شناسی نیز یاد شده است. پس مبنای فرجام‌شناسی در حکمرانی اسلامی، مربوط به سرانجام و عاقبت هر امری در حکمرانی است. یکی از ارکان حکمرانی، مردم جامعه هستند. پس در مبنای فرجام‌شناسی گاهی عاقبت انسان مورد توجه قرار می‌گیرد؛ گاهی عاقبت زندگی دنیوی انسان و گاهی زندگی اخروی انسان ملاحظه می‌شود.

در مبنای فرجام‌شناسی در حکمرانی اسلامی باید به زندگی اخروی انسان نیز توجه شود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دین اسلام، مرگ نقطه پایان زندگی نیست، بلکه انتقال زندگی دنیوی انسان به زندگی اخروی او است. بر اساس تعالیم دینی، دنیا مزرعه آخرت و محل آزمایش انسان برای زندگی ابدی در آخرت است. اگر انسان در امتحانات الهی در این دنیا سربلند باشد، جایگاه زندگی اخروی او بهشت جاویدان است و اگر در این دنیا از دستورات الهی اطاعت نکند، در آخرت دچار عذاب خواهد شد. پس بر اساس تعالیم دینی، زندگی اصلی انسان در واقع در جهان آخرت است. پس

توجه به فرجام انسان و زندگی اخروی انسان‌ها در حکمرانی اسلامی بسیار مهم است؛ بنابراین یکی از اصول برگرفته از این مبنا، توجه به زندگی اخروی انسان است.

البته در حکمرانی اسلامی، توجه به زندگی اخروی انسان نباید سبب غفلت از زندگی دنیوی وی شود. در حکمرانی اسلامی، هر چند که باید به زندگی جاودانه و اخروی مردم و سعادت آنها در آخرت توجه شود و هر چند که زندگی اخروی انسان پایه و اساس و فرجام نهایی انسان‌ها است، اما نباید از زندگی دنیوی مردم نیز غفلت شود؛ بنابراین بهتر است برای اصل توجه به آخرت، عنوان آخرت‌پایگی انتخاب شود، تا در این عنوان اشاره‌ای به غفلت‌نکردن از زندگی دنیوی نیز باشد.

در حکمرانی اسلامی، باید به زندگی دنیوی و عاقبت کارها در دنیا نیز توجه شود. به بیانی دیگر تمام تصمیمات در حکمرانی اسلامی باید با ملاحظه و با هدف سرانجامی نیکو برای زندگی دنیوی مردم باشد. پس دومین اصل برگرفته از مبنای فرجام‌شناسی در حکمرانی اسلامی، توجه به آینده زندگی دنیوی مردم است. البته در این اصل باید به اصل قبلی، یعنی آخرت‌پایگی نیز توجه شود و در واقع هنگام تعارض بین زندگی دنیوی و اخروی، اولویت با زندگی اخروی است.

رسیدن به جامعه مهدوی، غایت نهایی حرکت تمام انبیا و امامان در طول تاریخ بوده است و همه معصومان به دنبال ایجاد جامعه‌ای شبیه به جامعه مهدوی بودند. جمهوری اسلامی ایران نیز با این هدف شکل گرفته است و در ادامه نیز رهبران این انقلاب، یعنی امام خمینی و مقام معظم رهبری، در صدد آماده‌سازی جامعه برای ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) و ایجاد جامعه مهدوی بودند. پس سرانجام و فرجام انقلاب اسلامی با هدف ظهور و اتصال به جامعه مهدوی است؛ بنابراین یکی دیگر از اصول برگرفته از مبنای فرجام‌شناسی، پیشبرد جامعه به سوی جامعه مهدوی است. در نتیجه اصول برگرفته از مبنای فرجام‌شناسی در حکمرانی اسلامی عبارت است از: آخرت‌پایگی، توجه به آینده زندگی دنیوی مردم، پیشبرد جامعه به سوی جامعه مهدوی.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حکمرانی رهبری در تمام مبانی به‌طور کامل با حکمرانی علوی انطباق دارد. بدین بیان که در این پژوهش شش مبنا، به‌عنوان مبانی حکمرانی علوی با استدلال ذکر شد و در تمام این مبانی، حکمرانی رهبری با حکمرانی علوی انطباق کامل دارد. این مبانی عبارت است از: ۱. مبنای هستی‌شناسی

۲. مبنای معرفت شناسی ۳. مبنای انسان‌شناسی ۴. مبنای جامعه‌شناسی ۵. مبنای راه و راهنماشناسی ۶. مبنای فرجام‌شناسی.

پیشنهادهای مرتبط با این پژوهش عبارت است از:

- لازم است در مراکز آموزشی کشور، از جمله دانشگاه‌ها، متونی تدوین و تدریس شود که: اول، مبانی حکمرانی اسلامی و مبانی حکمرانی رهبری را مشخص کند. دوم، مبانی حکمرانی رهبری را با مبانی حکمرانی اسلامی انطباق دهد تا قشر جوان کشور با مبانی حکمرانی معصومان و مبانی حکمرانی رهبری آشنا شود.

- لازم است در مراکز پژوهشی جهانی، منطقه‌ای و ملی، مبانی حکمرانی به تفصیل تدوین شود.
- لازم است تمام مسئولان کشور، ابتدا با مبانی حکمرانی اسلامی آشنا شوند؛ سپس مبانی حکمرانی اسلامی را در مسئولیت خود رعایت کنند، تا حکومت کشور، حکومت کاملاً اسلامی و منطبق با مبانی حکمرانی معصومان باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- www.khamenei.ir امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی. **مجموعه بیانات**، قابل دسترسی در: بابائی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). **قواعد تفسیر قرآن**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ثواب، جهانبخش (۱۳۹۱). مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی، پژوهش‌نامه علوی، ۳(۲).
- خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۴۰۱). **منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (نظام بینشی، منشی و کنشی)**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: دانشگاه تهران.
- سید رضی، محمد، (۱۴۱۴ق). **نهج البلاغه**، تحقیق صبحی صالح، چاپ دوم، قم: نشر هجرت. فرزندی، عباسعلی و روشن‌روان، اله‌بخش (۱۳۹۹). **مبانی و اصول نظام معنایی فرهنگی در اندیشه دفاعی امام خمینی (ره)**، تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی. قاسمی، غلامعلی و همکاران (۱۴۰۰). **اصول حکمرانی مطلوب**، قم: دانشگاه قم.
- متفکر، حسین (۱۳۹۹). **مبانی و اصول حکمرانی مطلوب**، مجموعه مقالات دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران: انتشارات راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه دفاع ملی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰). **درآمدی بر تفسیر جامع روایی**، قم: دارالحدیث.
- معین، محمد (۱۳۶۰). **فرهنگ فارسی معین**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۴۰۰). **حکمرانی علوی الگوی نظام سیاسی در اسلام**، قم: بوستان کتاب. نوبری، علیرضا و همکاران (۱۳۹۹). **تحلیل محتوای نامه‌های امام علی به کارگزاران با محوریت اصول حکمرانی**، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۸(۱۷).
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۰). امام علی (ع) و مبانی حکومت اسلامی، کتاب نقد، شماره ۱۸.
- عیوضی، محمدرحیم و همکاران (۱۳۹۹). **فهم مبانی نظری و ابعاد جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)**، مجموعه مقالات دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران، انتشارات راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه دفاع ملی.
- محمدیان، سوده (۱۳۹۶). **مبانی حکومت از منظر امام علی (علیه‌السلام) با تأکید بر نهج البلاغه**، قم: دانشگاه معارف اسلامی، دانشکده مدرسی معارف اسلامی.
- پیلهور، مرضیه (۱۳۹۸). **مبانی نظری، رویکردها و ابعاد جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)**، فصلنامه دانش انتظامی همدان، ۶(۲۲).

شریفی، محمد (۱۳۹۹). مبانی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه‌های دینی، با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، مجموعه مقالات دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه دفاع ملی.

<https://governanceschool.ir>

وبگاه مدرسه حکمرانی شهید بهشتی: